

من یرد الله به خیر ا یفقهه

فی الدین .

(حدیث شریف)

"کسی که خداوند به وی اراده خیر فرماید

او را در امور دین دانشمند می سازد"

# فقه اسلامی

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ○

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ○ وَأَخْلِلْ عُنُقَدَةً

مِنْ لَبِّ سَانِي ○ يَفْقَهُوا قَوْلِي ○

(قرآن کریم)

"ای زما پروردگاره! زما سینه را پراخه کړه!

او زما امر (درسالت) راته آسان کړه! او زما

له ژبی څخه غوټه پرانیزه! چې (خلک) زما په

څیرو (نښه) وپوهیږي"

اپریل 2020

جمادی الثانی

شماره دو صد هفتاد ویک

## ( المجلس الأوربي للإفتاء و البحوث )

### مجلس اروپا برای افتاء و تحقیقات

#### مساجد به سبب فیروس کورونا بسته باشند

شیخ حسین حلاوه ، سکرتر جنرال مجلس افتاء و تحقیقات اروپا تأکید کرد که مسئولین مساجد ، دروازه های مساجد را بسته و از مردم بخواهند تا در خانه های خود به سبب انتشار فیروش کورونا نماز بخوانند ، اگر بدانند در صورتی حضور نماز گزاران در مسجد مرض انتشار می کند .

شیخ حلاوه در مصاحبه اش با عربی 21 می گوید که اسلام فقه دارد که نسبت به اکثر ادبیات مردم را برای حفاظت نفس توصیه میکند و مقصد شریعت حفاظت نفس است و اسلام تاریخ طویل در طب و قایبوی دارد .

هر روز و بآ انتشار می کند ، چه باید کرد ؟ مردم را دعوت کنیم تا رهنمایی های صحی را مراعات کنند و انسان اگر احساس میکند که فیروس دارد نباید به دیگران انتقال بدهد و از آزار مردم جلوگیری کند .

رسول اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند : ( کسیکه سیر ، پیاز و یا گندنه خورده از مسجد ما دوری کند ) ( من أكل ثوما أو بصلا أو كراتا فليعتزل مسجدا ) به سبب اینکه مردم از بوی دهن او اذیت می شود ، انسان مریض و کسیکه فیروس مرض را دارد و احتمال انتقال آن به دیگران می گردد

، صحیح نیست که به مساجد برای نماز به خاطر حفظ نماز جماعت برود ، صحیح است که نماز جماعت در مذهب حنبلی فرض عین بالای هر مسلمان است ، در نزد جمهور فقهاء سنت مؤکده است ، اما نماز جماعت در حال رسیدن ضرر برای بدن از انسان ساقط می گردد .

رسول اکرم صلی الله علیه و سلم مردم را در وقت نزول باران امر کردند تا در منازل خود نماز بخوانند تا اذیت نشوند و این حکم بالای هر عذر تطبیق و نماز جماعت ساقط می گردد .

به خصوص در موضوع نماز جمعه ، شیخ حلاوه تأکید دارد که نماز جمعه فرض است ، اما در وقت سفر و مریضی و آنانکه استطاعت رفتن را به مسجد ندارد ساقط می گردد در این حالت نماز ظهر در خانه خوانده میشود ، مسلمان اگر میدانند که حضورش در مسجد سبب اذیت مردم می شود باید از مسجد دوری کند و نماز ظهر را در خانه بخواند .

شیخ حلاوه اضافه میکند و میگوید: اگر ملاحظه کردیم که مرض در حالت انتشار است و ما برای نماز گزاران از سبب مرض اگر به مسجد می آیند خوف میداشته باشیم ، و ادارات مساجد تصور دارند که فیروس در حال انتشار است باید دروازه های مساجد را بروی نماز گزاران بسته کنند و مردم به خانه های خود نماز بخوانند به سبب حفظ جان . بجواب آنانکه مخالف بسته شدن مساجد اند ، شیخ

**فیروس کورونا/**

انسان به این مرض مبتلاء شده اند و تا حال 3400 نفر وفات کرده. حکومت ها در تمام کشور برای جلوگیری از انتشار مرض امر به قرنطین داده اند و شخص مریض اجازه بیرون شدن را از خانه ای خود و یا از بیمارستان ندارد. قرنطین (Quarantine) قرنطین اجراءات صحی است، اشخاصی که به مرض دچار شده باشند چه فیروس داخل وجود شان شده باشد و یا نشده باشد اجازه ندارند از منازل شان بیرون شوند تا مریضی در جامعه انتشار نکند. ممکن است قرنطین شامل یک منطقه و یک شهر نیز شود مثلیکه چین برای جلوگیری از فیروس کورونا شهر ها را از هم جدا ساخت و در بعض از شهر های چین فقط برای یک شخص از خانواده هر دو روز اجازه داده می شود از خانه برای ضرورت خارج شود. و ایتالیا نیز همین کار را انجام داد.

قرنطین در ادبیات اسلامی بنام (حجر) یاد شده. حجر به معانی زیاد آمده اما در مجموع یک معنی را افاده می کند: منع، بازداشت، ممانعت، جلوگیری. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در تعداد از احادیث، مبادی صحی قرنطین را بیان کردند، مردم را از داخل شده به قریه یا شهری که در آنجا مردم به مرض طاعون مبتلاء شده اند منع فرمودند، و همچنان باشندگان آن جا از خارج شدن منع کردند. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم، خارج شدن را از جای که مرض طاعون در آنجا است به فرار از میدان جهاد نسبت دادند و آنرا گناه کبیره گفتند. و صبر در مقابل مرض طاعون را به اجر شهید نسبت دادند.

امام بخاری در صحیح خود قصه عمر بن الخطاب رضی الله عنه را وقتیکه بطرف شام حرکت کرد می آورد. زمانیکه عمر به منطقه نزدیک به شام که بنام (سرغ) در نزدیکی الیرموک رسید، ابو عبیده بن الجراح و همراهش، خبر دادند که مرض و بء در سرزمین شام انتشار کرده. مهاجرین اولین را دعوت کرد و در مورد رفتن به شام با آنها مشوره کرد.

حلاوه میگوید: صحیح است که برای دفع مرض و بء به خداوند نزدیک شویم، اما از اسباب بگیریم و گرفتن به اسباب جزء از دین ما است. واجب است انسان توجه داشته باشد، چرا نبی صلی الله علیه وسلم نگفت اگر یکی از شما احساس به مرض میکند به مسجد بیاید و نماز بخواند و دعا کند تا آخر؟ بلکه گفت به نزد داکتر مراجعه کند تا علاج شود. نزدیکی به خداوند و دعا از خانه نیز صحیح است.

**حج و عمره**

در مورد حج و عمره در این شرایط، شیخ حلاوه می گوید: حج ارتباط به قدرت، استطاعت، دارد، مریض که به سبب مرض به حج رفته نمی تواند، فرضیت حج از او ساقط می شود، ثروت و صحت و قوت جسمانی در جمله استطاعت می آید و این حکم بالای عمره نیز تطبیق می شود. حکومت عربستان که عمره را منع کرده و یک عمل شرعی را انجام داده و این فیصله برای حفاظت و سلامت مردم است.

**علاقات و روابط اجتماعی**

روابط و علاقه فردی مانع در آن نیست، اما اگر انسان احساس به مریضی می کند لازم است در مناسبات اجتماعی شرکت نکند تا برای دیگران ضرر نرسد، دست دادن را کنار بگذارند تا مرض انتشار بیشتر نکند.

**نوت: مجلس اروپا برای افتاء و تحقیقات، در هفته اول مارچ نماز جمعه و نماز جمعه را در مساجد اروپا لغو کرده بود.**

**حکم قرنطین**

مرض هلاکت کننده بنام (کورونا)

رسول اکرم صلی الله و مسلمتانان برای جلوگیری از مرض کورونا قبل از همه قرنطین را تطبیق کردند. فیروس کورونا در بیشتر از 94 کشور بسرعت انتشار یافت، احصائیه های که مراکز طبی به نشر سپرده اند 100 هزار

## فیروس کورونا/

## توقف طواف کعبه مشرفه

بعض از هموطنان گرامی در مورد توقف طواف در این هفته سؤالات زیاد را توسط ایمیل و تلفون مطرح کرده اند و عده باین فکر هستند که توقف طواف علامه از علامات قیامت است. در جواب باید گفت که این بار اول نیست که طواف توقف میکند و توقف طواف ارتباط به قیامت ندارد.

طواف کعبه مشرفه در تاریخ چندین بار متوقف شده مثلاً:

در سال 317 هجری قمری، قرامطه یکی از فرقه های شیعه که به امامت اسماعیل معتقد بودند، حج را برای ده سال منع کردند به دلیل اینکه حج از اعمال جاهلیت است و حاجیان را در پهلوی دیوار های کعبه به قتل رسانیدن و حجرالاسود را بسرقت بردند و بعد از 20 سال بعد گرفتن طلا به جایش برگشتاندند.

در سال 1814 میلادی، حج به سبب مرض طاعون که در اثر آن 8 هزار شخص در حجاز وفات کرد توقف کرد و منع شد.

در سال 1883 میلادی به سبب انتشار مرض کولیرا حج توقف داده شد در این سال یعنی 137 سال قبل از امروز تعداد زیاد از حجاج وفات کردند و مرض کولیرا در مصر انتشار کرد و در هر روز بین 400 تا 500 حاجی وفات کرد.

در سال 1997 طواف به سبب حمله بالای حرم مکی بواسطه ای (جهیمان العتیبی) که خود را مهدی منتظر میدانست برای مدت 15 روز توقف کرد، از 20 نوامبر 1979 تا 4 دسامبر 1979.

در سال 2017 طواف به سبب ازدحام شدید توقف کرد، این حادثه در ماه رمضان بود، اما توقف برای مدت بسیار کوتاه بود.

در 5 مارچ 2020 به سبب وباء فیروس کورونا حرم مکی و مدنی از خوف انتشار فیروس بسته شد و همچنان چندین

ایشان در مورد حکم وباء با هم اختلاف نظر پیدا کردند، بعضی نظر دادند که برای یک امر خارج شده آید و نباید برگردید، عده دیگر از آنها گفتند: با شما مردم دیگر و اصحاب رسول الله صلی الله علیه و سلم هستند لازم نمی دانیم به جای بروید که در آنجا وباء است. بعد از مشوره با مهاجرین، حضرت عمر انصار را برای مشوره دعوت کرد و انصار مانند مهاجرین با هم اختلاف نظر پیدا کردند؛ بعداً مشایخ یا بزرگان قریش از جمله مهاجرین را مشوره نمود، آنها باهم در موضوع اختلاف نظر نکردند و مشوره دادند که باید برگردیم و مردم را بطرف وباء نبریم.

عمر بن الخطاب مردم را جمع کرد و نظریه مهاجرین و انصار و بزرگان مهاجرین قریش را بیان کرد. ابو عبیده بن الجراح گفت: آیا فرار از قدر الله؟ عمر گفت: یا ابو عبیده اگر غیر از تو کسی دیگر میگفت، جواب میدادم بلی، فرار از قدر الله به قدر الله. در این وقت عبدالرحمن بن عوف رسید، و گفت: در این مورد نزد من علم است یا خبر است، شنیدم رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: (إذا سمعتم به بأرض فلا تقدموا عليه، وإذا وقع بأرض وأنتم بها فلا تخرجوا فرار منه)، «اگر شنیدید وباء در یک سرزمین است، به آنطرف نروید، و اگر در یک جا وباء باشد از آنجا فرار نکنید و خارج نشوید»، عمر گفت الحمد لله و بازگشت یا صرف نظر کرد از پیش رفتن.

حضرت جابر بن عبد الله رضی الله عنه گفت: رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: (الفار من الطاعون كالفار من الزحف، والصابر فيه كالصابر في الزحف) روایت کرده احمد. فرار از طاعون - فرار کردن از جای که در آنجا مرض طاعون است - مثل فرار از میدان جهاد است، و صبر کردن در طاعون مانند صبر کننده در میدان جهاد است.

قوت نظامی برای اجبار مردم به قبول دعوت استفاده کرد. قرامطه بالای مکه حمله کردند و مردم را از عمره و حج منع کردند و حجر الاسود را دزدی نمودند و دروازه کعبه را شکساندند.

خلافت عباسی در مقاومت قرامطه عاجز ماند و اما در نهایت قرامطه از داخل دچار مشکلات شد. در بحرین جوانی بنام الجنابی ادعا کرد که مهدی منتظر است و بزرگان دولت را به قتل رسانید و جنگ را علیه فاطمی ها اعلان کرد. در نصف قرن پنجم، العوینیون و بعض قبایل عرب که طرفدار عباسی ها و سلاجقه بودند قرامطه را شکست دادند.

#### فضل غنی مجددی

#### رجم ( سنگسار )

در این اواخر موضوع رجم و تشریحات جنائی در اسلام در برنامه های تلویزیونی و صفحات فیس بوک و در خطبه های روز جمعه مناقشه میشود. واعظین و خطباء و دانشمندان و غیر متخصص در تشریحات اسلامی و عامه مردم در مورد حکم حد زنا و سرقت و سائر احکام جزا اسلامی سخن می زنند و می نویسند و رأی خود را اظهارکنند. موضوعات حقوقی خصوصاً حقوق جزاء اسلامی از موضوعاتی نیست که در خطبه های جمعه و مجالس وعظ و نصیحت و در بین غیر متخصصین بحث شود و از جانب دیگر حقوق جزاء و سائر قوانین حقوقی را باید متخصصین در همان رشته بحث کنند و مسائل حقوقی و قانونی از موضوعات علمی بوده که در پوهنتونها تدریس می شود نه در صفحات مجازی و در خطبه های روز جمعه و در برنامه های تلویزیونی، و اگر در برنامه ها و سمینارها بحث میشود باید متخصصین در مورد آن بحث و نظر بدهند و متخصص نه تنها در

بار به سبب باران های شدید و سیل که دیوار های کعبه شریفه نیز صدمه دید طواف بسته شده بود.

#### قرامطه :

بعد وفات امام جعفر صادق امام ششم نزد پیروان شیعه، شیعیان تقسیم شدند، عدۀ اسماعیل را امام هفتم شناختند و بعداً بنام اسماعیلیه معروف شدند.

گروه دیگر موسی بن جعفر را امام هفتم پنداشتند و این گروه بزرگ شیعه است که امروز بنام شیعه دوازده امامی یاد میشود.

اسماعیلیه ها محمد بن اسماعیل را بحیث امام بیعت کردند و در نتیجه مخالف دولت عباسی با ایشان حجاز را ترک و پنهان شدند و دعوت خود را سری ادامه دادند.

دعوت اسماعیلیه را در عراق حمدان قرمط رهبریت میکرد، حمدان موفق شد تا تعدادی زیاد را به دعوت اسماعیلیه جذب کند و ساحة دعوت او به یمن و مغرب و وسط و شمال فارس رسید.

قرامطه در عهد خلافت المقتدر عباسی بن المعتضد مردم را دعوت به تشیع کردند و اسم القرامطه را بخود گرفتند. در سال 889 میلادی عبیدالله المهدی، بعداً خلیفه فاطمی، که از سلسله محمد بن اسماعیل بود، تمام دعوتگران را دعوت نمود تا او را بصفت امام یازدهم بیعت کنند و دعوت را بنام او بدلا باسم مهدیه محمد بن اسماعیل نمایند. اما اسماعیلیه در عراق، بحرین و خراسان به امامت عبیدالله اعتراف نکردند، و به عقیده امامت مهدی محمد بن اسماعیل ادامه دادند. القرامطه، بدعت های جدید را بمیان آوردند، شراب را حلال دانستند و روزه ماه مبارک رمضان را لغو کردند و عید نوروز، عید بزرگ قبول کردند، و حج و قبله بیت المقدس است و غسل در جنابت نیست. خلیفه عباسی المعتد علی الله بن المتوکل غرق در لهو و لعب بود و اطرافیانش برنامه گرفتن خلافت را داشتند. زکریه مسئول دعوت در اقلیم فارس بود، او از اختلافات نژادی سود برد و دعوت اسماعیلیه را در فارس بر ضد عرب تقویت کرد و از

**رجم /**

تشریحات تخصص داشته باشند بلکه مقاصد شریعت و تفاوت عصر و زمان را نیز مد نظر داشته باشد.

باید واضح باشد که در موضوع رجم در قانون جزاء اسلامی اجماع نیست و در مورد آن اختلاف زیاد بین فقهاء و مذاهب فقهی و حقوق دانان وجود دارد، عده از فقهاء باین نظر اند که بعد از تدوین قوانین و تأسیس مذاهب فقهی اجماع عصر صحابه در مورد رجم نیست.

در باب رجم زیادتر به عصر خلافت حضرت عمر رضی الله عنه اشاره می شود و عده باین تصور و باور اند که حضرت عمر رجم را تطبیق عملی کرده و تأکید به تنفیذ آن نموده بود. جهت فهم بیشتر از موضوع رجم در فقه اسلامی من تحقیق دکتور عصام تلیمه یکی از دانشمندان معاصر فقه اسلامی و استاد سابق پوهنتون ازهر را انتخاب کردم و فکر میکنم که قابل استفاده برای محققین جوان در ساحة حقوق جزاء اسلامی است. اما قبل از اینکه در مورد تطبیق عملی رجم در عصر خلافت راننده بحث شود لازم است تا از موقف اسلام در موضوع رجم و اختلاف بین فقهاء در مورد آن بحث شود.

مهمترین و خطرناکترین قضیه که باید در مورد آن بحث و مناقشه شود عبارت از شرط اقامت حد زنا است که بنام رجم یاد میشود. شرط اساسی و مهم در قضیه رجم «**إحصان**» است به عبارت دیگر که در وقت عمل زنا، زن و مرد محصن باشند به عبارت دیگر محصن بودن شرط اساسی و یگانه در موضوع رجم میباشد. با اختلافات فقهی، فقهاء اتفاق دارند که رجم محصن و محصنه در شریعت است و اما در مورد شروط آن که احصان است با هم اختلاف نظر دارند. لذا لازم است تا اولاً معنی احصان را با استفاده از فرهنگ ادبیات زبان دانست به دلیل اینکه فهم لغوی و زبانی یک اصطلاح محقق را کمک و به حقیقت نزدیکتر می سازد.

**احصان در ادبیات زبان :**

در موسوعه فقه اسلامی که در مصر تدوین شده، احصان از باب ادبیات زبان تعریف و در تعریف احصان تفاوت بین

ادبیات زبان و فقه مد نظر گرفته شده. در ماده «حصن» آمده: حصن دلالت به منع است، مثلاً: اگر مرد ازدواج کند محفوظ و حمایت می شود، اگر اسلام آورد حمایت می شود، اگر آزاد شود حمایت میشود و تمام این مثالها دلالت به منع می کند به معنی دیگر اگر مرد ازدواج کند خود را از زنا منع می کند و اگر مسلمان شد از کشته شدن حفظ می کند، و اگر آزاد شد خود را از قید و ملکیت دیگران حفظ می کند، و عقیف و با عفت نفس خود را از فحشات منع می نماید.

**احصان در شریعت دو قسم است :**

1. إحصان رجم

2. إحصان قذف

و هر کدام شروط بخود دارد:

إحصان رجم عبارت از صفات است که بموجب آن رجم زنا بالای زنا کار واجب می شود.

إحصان قذف: عبارت از اجتماع صفات در مقذوف است که او را مستحق جلد یا دره می سازد.

**إحصان در قرآن و سنت:**

کلمه ( محصن ) و ( محصنه ) در قرآن کریم دلالت های مختلف دارد: به معنی عفت، به معنی آزادی یا حریت و به معنی ازدواج صحیح است.

اما إحصان در سنت بصورت مجمل بدون تفصیل ذکر شده مگر در بعض احادیث.

اما نسبت به یهودی رسول اکرم صلی الله علیه وسلم او را به حکم تورات رجم کرد به دلیل اینکه رجم زنا کار در تورات آمده.

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در مورد إحصان و در شروط و صفات آن خلاصه جواب داده اند. و تفصیل بیشتر در کتب فقه مذاهب بیان شده و تمام تفصیل ذکر شده اجتهادی است و در بعض آن نص موجود و در بعض دیگر نص وجود ندارد و از دلالت های نص گرفته شده.

**مذاهب فقهی و شروط إحصان :**

مذاهب فقهی تسنن و غیر تسنن در مورد إحصان و شروط آن با هم اختلاف دارند.

شروط و صفات إحصان هفت است: عقل، بلوغ، حریت، اسلام، ازدواج (نکاح صحیح)، دخول با زن که غسل واجب گردد یعنی جماع.

فقهاء مذهب حنفی شروط إحصان را این طور بیان می کنند: عقل، بلوغ، آزادی یا حریت، اسلام و نکاح صحیح و دخول در نکاح صحیح. اسلام یکی از شروط مهم در حکم زنا است و به رأی فقهاء مذهب حنفی غیر مسلمان رجم نمی شود.

از نظر فقهاء مذهب حنفی اگر صفات ذکر شده در مرد و زن موجود باشد مستحق رجم می شوند زیرا صفات فوق مانع عمل زنا می شود.

اختلاف در آراء فقهاء تسنن و تشیع از قدیم تا امروز، در قضیه إحصان نشان دهنده آن است که تمام مذاهب اراده دارند تا عقوبت یا جزاء رجم را در هر حالات به حد (دره) برسانند، همچنان از فقهاء معاصر، رشید رضا و علامه الزرقا و ابا زهره به این رأی نزدیک هستند و دلیل شان عدم وجود نص شرعی است اما همه علماء به حد زنا اعتراف دارند.

**صفت حد زنا :**

زنا حق خاص الله متعالی است، به عبارت دیگر حق جامعه میباشد، حفاظت جامعه از عمل زنا و فحشات به مصلحت عمومی جامعه است لذا حد زنا حق خاص خداوند و جامعه میباشد. چون حد زنا از حق جامعه و خداوند است در عفو کردن آن هیچکس صلاحیت ندارد.

شیخ تیلیمیه زیر عنوان «الإسلام و الرجم»: الخلفاء الراشدون و الرجم، عصر خلافت راشده را به بحث می گیرد و می نویسد:

استدلال در واجب بودن تطبیق حد رجم: آمده که خلفاء الراشدین: ابوبکر و عمر، و عثمان و علی رضی الله عنهم، حد رجم را تطبیق کردند.

**ابوبکر و رجم :**

از ابوبکر رضی الله عنه در مورد تطبیق رجم از عمر بن الخطاب روایت شده که: رسول الله صلی الله علیه وسلم

رجم کردند، ابوبکر رجم کرد، من رجم کردم و من کراهیت دارم که در کتاب خداوند چیزی زیاد کنم، و می ترسم که قومی بیایند و در کتاب خداوند رجم را نبینند و آنرا رد کنند. (روایت کرده ترمذی (431) تصحیح کرده البیهقی (17376) (213/8) و ابن شیبہ (10/77) و ابو داود الطیالسی (25) و الأجرى فى الشریع (767) از عمر بن الخطاب رضی الله عنه و صحت گذاشته الألبانی در الإرواء (5/8).

از طریق نجیح ابی علی اخراج شده که نبی علیه السلام فرمودند: « رجم رسول الله صلی الله علیه وسلم، و رجم ابوبکر و عمر و امرشان (ابوبکر و عمر) سنت است. (رواه ابن الی شیبہ (78/10) و شیخ الالبانی سند آنرا مرسل می داند.

با وجود نصوص عمومی که از حادثه رجم و تطبیق آن از عهد ابوبکر صدیق رضی الله عنه حکایت میکند، و اما بررسی و تحقیق دوره خلافت ابوبکر که دو سال بود و در این مدت دو سال عمر مسئول اداره قضاء بود یک واقعه ثابت وجود ندارد و حتی روایت شده که در این دو سال یک شخص حاضر نشد و ادعا نکرد.

**عمر و رجم :**

از دوره خلافت عمر بن الخطاب رضی الله عنه زیاد در مورد حوادث و تطبیق عملی رجم روایت شده و روایت شده که عمر رضی الله عنه رجم میکرد یعنی حد زنا را تطبیق عملی می نمود البته بدون تفصیل از ذکر حالات که در آن رجم صورت گرفته. رأی که از عمر در مورد رجم روایت شده باین معنی است:

مورد زنا پرسید؟ گفت بلی یا امیر المؤمنین و بار دوم تکرار کرد گفت بلی. علی گفت: حرمت آنرا نمی دانست بالایش حد اجراء نشود. ابن قیم در مورد این حکم تعلیق کرده می گوید: بهترین و دقیق ترین فراست. (ابن القیم، **الطریق الحکمیة، صفحہ (140)**).

چهارم: از ابن عباس که گفت: زنی دیوانه که زنا کرده بود نزد عمر آورده شد، عمر مردم را مشوره کرد و امر به رجم او کرد. علی از آنجا گذشت و از موضوع پرسید؟ گفتند زن دیوانه است و زنا کرده و عمر امر به رجم او داده. گفت به او مراجعت نماید و نزد عمر رفت و گفت: یا امیر المؤمنین: دانستم که قلم از سه حالت برداشته میشود: از مجنون تا خوب شود، از خوابیده تا بیدار شود، از طفل تا عاقل شود؟ گفت بلی یعنی عمر گفت بلی، علی گفت: پس آیا این زن رجم شود؟ گفت: هیچ، گفت: او را بفرستید، علی گفت: عمر تکبیر گفت.

آیا زن به دلیل حمل متهم بزنا می شود؟ خصوصاً اگر شوهر او حاضر نباشد، عرب ها در آنوقت تصور میکردند که ممکن مدت حمل تا سه و یا چهار سال ادامه پیدا کند، مدتی که علم امروز آنرا نفی میکند؟ پنجم: زنی به عمر پیش شد که حمل کرده بود، گفت: خواب بودم و زمانیکه بیدار شدم مردی را دیدم که بالای من افتاده، حد زنا بالای او جاری نشد، عمر امر به دادن لباس و غذاء برای او داد و از اهل او خواست تا با او رفتار نیکو داشته باشند.

ششم: زنی که شوهر نداشت و حمل کرد به نزد عمر حاضر ساخته شد، عمر از او پرسید: گفت: من سنگین سر هستم، خواب بودم مردی بالای افتاد، زمانیکه بیدار شدم کار تمام شده بود، حد بر او تطبیق نشد.

هفتم: زنی که بعد از شش ماه تولد کرد نزد عمر آورده شد، عمر اراده کرد که رجم شود. خواهر زن نزد علی بن ابی طالب رضی الله عنه رفت و بخاطر خدا از او کمک خواست تا عمر خواهرش را رجم نکند. علی گفت: عذر دارد، خواهر زن تکبیر گفت و نزد عمر رفت و گفت که

روایت کرده ابن سیرین که «عمر رجم کرد و جلد یعنی شلاق زد، و علی رجم کرد و دره زد». (رواه ابن ابی شیبہ (29386) و **الالبانی صحت گذاشته (5/8)**). در جواب این حدیث امام العینی می گوید: ابن سیرین عمر را ندیده بود به دلیل اینکه او در زمانی بود که دو سال از حکومت عثمان باقی مانده بود لذا حدیث منقطع است. (امام العینی، **نخب الأفكار (461/15)**).

اما حالات رجم که تطبیق آن در عهد عمر بن الخطاب ذکر شده بدین ترتیب است:

اول: زنی که زنا کرده بود نزد عمر رضی الله عنه آمد و اقرار کرد، عمر امر به رجم کرد، علی بن طالب رضی الله عنه گفت: ممکن عذر داشت، بعداً برای زن گفت: چه ترا به عمل زنا رساند؟ گفت: ظرفی داشتم که در بین آن آب و شیر بود مردی تشنه شد او را آب دادم، اما او ابا و ورزید که مرا آب بدهد تا نفس خود را برایش ندهم، سه بار دوری کردم، اما تشنه شدم و فکر کردم که می میرم، آنچه می خواست دادم، مرا آب داد. علی گفت: الله اکبر "فمن اضطر غیر باغ و لا عاد فلا اثم علیه ان الله غفور رحیم" (البقرة: 173) (پس هر که بخوردن آن مجبور شود در حالیکه به آن تمایل نداشته و از اندازه مجبوری تجاوز نکند گناهی بر او نخواهد بود، بی شک که خداوند آمرزنده مهربان است. (رواه البیهقی فی السنن (411/8) برقم (17050) و عبدالرزاق فی المصنف (8/407) برقم (13654)).

دوم: از ابی عبدالرحمن السلمی که گفت: نزد عمر زنی آمد که از تشنگی مانده شده بود، به نزدیک چوپان که گوسفندان را می چراند رسید و آب خواست، مرد معذرت خواست که آب بدهد مگر اینکه نفس خود را بدهد. عمر در مورد رجم او مردم را مشوره کرد، علی گفت: مجبور بود، فکر میکنم او را آزاد بگذارید، عمر این کار را کرد. (رواه البیهقی فی السنن (8/411) (17050)).

سوم: همچنان روایت شده از موقف عمر در مورد زنا، زنی که زنا کرده بود نزد عمر حاضر شد، عمر از او در

موقف عمر با دختری که زنا کرده بود و توبه کرد و عمر برای ولی امر او گفت که مثل یک زن پاک دامن و عقیقه نکاح شود و نگفت بیآورد که حد زنا را بالایش تطبیق نمائیم.

**قذف در ادبیات زبان به معنی ضرر رساندن به قول است . و اما در اصطلاح شرعی ، نسبت دادن انسان ، انسان دیگر را به زنا و یا قطع نسب مسلمان ، مثلاً گفته شود یا زنا کار ، یا زنا کردی ، یا تو زانی هستی ، یا پسر زنا و یا پسر زنا کار ( دکتر وهبه الزحیلی ، الوجیز فی الفقه الإسلامی ، جلد دوم / حد: عقوبت تعیین شده شرعا ، چه حق خداوند باشد و یا حق بنده .**

**لعان : لعان در لغت {ویرایش} «لعان» بر وزن کتاب، مصدر باب مفاعله از ماده «لعن» به معنای نفرین و طرد از خیر است. در اصطلاح شرعی ، نوعی مباحله است برای دفع حد یا نفی ولد (فرزند).**

**اگر کسی مسلمانی را متهم به فحشا کند، ولی شاهد نداشته باشد، بر متهم کننده هشتاد شلاق به عنوان حد «قذف» زده می شود.**

**إحصان : در متون فقهی در دو معنی « همسر داشتن» و «پاکدامنی» استفاده می شود که در معنای اول در ابواب باب های شهادت و حدود و در معنای دوم در باب های لعان و حدود از آن بحث می شود.**

**رجم: سنگ زدن، سنگسار کردن، دشنام دادن، نفرین کردن.**

**از خواهران و برادران گرامی دعوت می نمائیم ، صدقات شانرا برای تقویت نشرات فقه اسلامی فرستاده داخل اجر شوید.**

Mogaddedi Fazl Ghani  
201 Washington Blvd # 104  
Fremont , ca 94539  
U.S.A  
Tel ( 510 ) 979 – 9489  
[fazlghanimogaddedi@yahoo.com](mailto:fazlghanimogaddedi@yahoo.com)  
Islaminfo.one

علی میگوید خواهرم عذر دارد. عمر شخصی را نزد علی فرستاد و پرسید عذر او چیست؟ علی گفت: خداوند عزوجل می فرماید: « و الوالدات یرضعن اولادهن حولین کاملین » ( البقرة: 233 ) و مادران فرزندان خود را دو سال کامل شیر دهند ) . و گفت: «وحملة و فضاله ثلاثون شهراً» (الأحقاف :15) (مشقت حمل و مشقت ولادت و مدت حمل و شیر دادن 30 ماه ) حمل شش ماه و فصل 24 ماه. عمر او را آزاد کرد.

موقف عمر با ماعز ، ماعز قبل از اینکه نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم برود نزد عمر رفت و گفت که زنا کردم ، عمر برایش گفت : نزد خداوند توبه کن و به ستر خداوند ستر کن ، هر آینه خداوند توبه را از بندگان خود قبول میکند. (رواه عبدالرزاق فی المصنف (13342)(323/10).

از عمر ثابت نیست که یک نفر را رجم کرده باشد ، بلکه ثابت است که بعضی زنان به زنا متهم شدند و موضوع به عمر پیش شد عمر حد را بالای شان تطبیق نکرد.

#### یک حالت رجم در عهد عمر :

از عمر بن الخطاب روایت شده یک حالت رجم را انجام داد ، در این مورد ، سند و متن و فقه آنرا مطالعه و بررسی می نمائیم ، از ابی و افد اللیشی : مردی از اهل شام به نزد عمر بن الخطاب رضی الله عنه حاضر و برایش گفت: زنم را با مردی دیدم . ابو واقد گفت : عمر مرا نزد زن فرستاد ، با زن ، زنان دیگر نشسته بودند برایش گفتم که شوهرت چه گفت ، زن به قول و یا گفتار او اهما تمام نکرد و بالاخره اعتراف کرد و عمر امر به رجم او داد. (رواه مالک فی الموطأ) (823/2).

حکایت فوق به عبارات مختلف روایت شد .

توقف کردن به روایت که از رجم در عهد عمر بن الخطاب شده ، در روایت سوم : زن با غلام زنا کرد ، آیا حد بالای کسیکه با غلام زن کند است ؟ احناف در قصه العسیف باین عقیده اند که حد زنا با غلام نیست.

در سخن شوهر (زنم با غلام زنا کرد ) آیا اولویت در تشریح در این مورد لعان بین طرفین نیست؟ دیالوگ در مورد نشان میدهد که لاعن نیست ، بلکه مستقیماً از زن سؤال شد بدون ملاعنه از او یعنی زن ، این مورد به روش عمر بن الخطاب کاملاً متعارض است ، مثال موقف عمر با ماعز که او را از اعتراف مانع و به توبه نصیحت کرد و